

Imamate of Zaydis in Ancient Iranian Zaydi Sources: A Partial Study of the Manuscripts of *Kitab al-Ebana*¹

Mohammad Ali Salehi^{*}

Hadi Nasiri^{**}, Seyyed Ali Musawinejad^{***}

(Received: 22/05/2021; Accepted: 12/01/2022)

Abstract

Imamate is one of the most important theological issues raised in different Shia sects with many differences. The position of Imam and matters related to Imamate in some Shia sects have been accompanied by exaggerated explanations, and in others, they have been expressed by belittling and degrading the dignity of the Imam. In the meantime, the approach of the followers of Zaydism to Imamate as an important and influential issue has always been the focus of special attention of researchers. This article has paid particular attention to the approach of the Zaydis of the northern region of Iran and their most important figure, Naser Kabir (d. 304 A.H.), and has examined such issues as the definition of Imamate, the necessity of Imam's existence and the reasons, the ways of knowing the Imam, the difference between designated imams and imams of invitation, the conditions and duties of the imams of invitation, the possibility of two imams at the same time, etc. The research has been done by referring to the manuscripts of *Al-Ebana*, the copies of which have not been published yet, though they are among the most important texts of the Zaydis of northern Iran and reflect the views of Naser Kabir and the followers of the Naseriyah School of Zaydism. *Al-Ebana*, as a jurisprudential book, was written by Abu Jafar Mohammad ibn Yaghub Hosami, one of the prominent Zaydi scholars in Iran in the fifth century. After writing the book, the Zaydi jurists and scholars of this region added many annotations and notes to it over several centuries.

Keywords: Zaydism, Imamate, Naser Kabir, Abu Jafar Hosami, *Al-Ebana*.

1. This article is taken from: Mohammad Ali Salehi, "Methodology and Jurisprudential Fundamentals of Naseri Zaydism with the Focus on *al-Ebana*, with an Appendix on the Correction of the Two Books of *al-Taharah* and *al-Salaat*", 1980, PhD Thesis, Supervisor: Hadi Nasiri, Faculty of Shia Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

* PhD Student of Shia Sects, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), m.salehi.af@gmail.com.

** Assistant Professor, Department of Quranic Interpretation and Sciences, University of Quranic Sciences and Teachings, Qom, Iran, h.nasiri.218@gmail.com.

*** Assistant Professor, Department of History and Shiite Sects, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, mousavinwjad@urd.ac.ir.

امامت زیدیه در منابع کهن زیدیان ایران: جزء پژوهی نسخه‌های خطی کتاب الإبانة^۱

محمدعلی صالحی*

هادی نصیری**، سید علی موسوی نژاد***

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲]

چکیده

از مهم‌ترین مسائل کلامی که در فرقه‌های مختلف شیعه با تفاوت‌های بسیار مطرح شده، مسئله امامت است. جایگاه امام و شئون مربوط به امامت در برخی فرقه‌های شیعه با تبیینی غالبانه همراه بوده و در برخی دیگر با تقصیر و فروکاستن شأن و منزلت امام بیان شده است. در این میان رویکرد پیروان مذهب زیدیه به مسئله امامت به عنوان شاخه‌ای مهم و تأثیرگذار همواره محل توجه ویژه پژوهشگران بوده است. در این جستار به صورت خاص به رویکرد زیدیان منطقه شمال ایران و مهم‌ترین شخصیت آنان، یعنی ناصر کبیر (متوفای ۳۰۴ ه.ق.) توجه کرده و مباحثی همچون تعریف امامت، ضرورت وجود امام و دلایل آن، راه‌های شناخت امام، تفاوت امامان منصوص و امامان دعوت، شرایط و وظایف امامان دعوت، امکان دو امام هم‌زمان و ... بررسی شده است. این کار با مراجعه به نسخه‌های مخطوط الإبانة انجام شده است؛ نسخه‌هایی که تاکنون توفیق چاپ و نشر نیافته و در عین حال از مهم‌ترین متون زیدیان شمال ایران و منعکس‌کننده دیدگاه‌های ناصر کبیر و پیروان مکتب ناصریه زیدیه است. متن الإبانة، که کتابی فقهی است، نوشته ابوجعفر محمد بن یعقوب هوسمی، از دانشمندان برجسته زیدیه ایران در قرن پنجم، است. پس از تألیف این کتاب فقهی و دانشمندان زیدی این منطقه در چند قرن حواشی و تعلیقات بسیار بر آن افزودند.

کلیدواژه‌ها: زیدیه، امامت، ناصر کبیر، ابوجعفر هوسمی، الإبانة.

۱. برگرفته از: محمدعلی صالحی، روش‌شناسی و مبانی فقه زیدیان ناصری با محوریت الإبانة به ضمیمه تصحیح دو کتاب الطهارة و الصلاة، رساله دکتری، استاد راهنما: هادی نصیری، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۴۰۰.

* دانش‌آموخته دکتری فرقه‌های شیعه، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) m.salehi.af@gmail.com

** استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران h.nasiri.218@gmail.com

*** استادیار گروه تاریخ و فرق تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران mousavinwjad@urd.ac.ir

درآمد

پس از قیام زید بن علی بن حسین (ع) به سال ۱۲۲ ه.ق. در کوفه و شکل‌گیری جریان زیدی به نام زیدیه، که خود را پیرو زید می‌دانستند و به عنوان جریان شیعی متمایزی مطرح شدند، شاخه‌های مختلفی از زیدیه ظهور کرد که مهم‌ترینشان صالحیه، سلیمانیه و جارودیه بودند (نوبختی، ۱۴۳۳: ۴۰-۴۱، ۵۶). وجه مشترک این جریان‌ها داشتن اندیشه و رویکرد انقلابی و تمایز اصلی‌شان از دیگر مذاهب و اختلاف درونی میان خودشان در مسئله امامت بود. شاخه‌ای قائل به مشروعیت امامت از طریق شورا بودند (شهرستانی، ۱۳۹۵: ۱۴۰/۱). دیگری امامت مفضول را روا و علوی بودن را برای امامت کافی می‌دانستند (نوبختی، ۱۴۳۳: ۳۹، ۵۵). شاخه جارودیه، تنها فرد شایسته امامت بعد از پیامبر را امام علی (ع) می‌دانستند و آنهایی را که ترک بیعت با او کردند کافر خواندند و پس از امام علی و حسنین بر لزوم فاطمی بودن امامان تأکید می‌کردند (همان: ۵۶، ۹۸). به نظر می‌رسد عناوین ذکرشده برای شاخه‌های مختلف زیدیه در آثار فرقه‌نگاران عمر چندانی نداشته و در کتاب‌های کلامی و فقهی زیدیان قرن سوم و چهارم، کمتر نامی از آنها برده شده است.^۱

رویکرد زیدیان در مسئله امامت در منابع کهن کلامی همچون *کمال الدین و تمام النعمه* صدوق (متوفای ۳۸۱ ه.ق.) و *المسائل الجارودیه* شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ه.ق.) و در منابع فرقه‌شناسی مانند *فرق الشیعه* نوبختی (متوفای حدود ۳۰۰ ه.ق.) منعکس شده است. در آثار مختلف فرقه‌پژوهان متأخرتر نیز کتاب‌های متعدد و در دوره معاصر پایان‌نامه‌ها و مقالات متنوعی مرتبط با موضوع امامت در زیدیه نگاشته‌اند. ولی آنچه هنوز جای بررسی بیشتر دارد دیدگاه‌های پایه‌گذاران اصلی نگرش زیدیه درباره مسائل مربوط به امامت است که در میان آنها ناصر کبیر (متوفای ۳۰۴ ه.ق.)، قاسم بن ابراهیم رسی (متوفای ۲۴۶ ه.ق.) و هادی یحیی بن حسین (متوفای ۲۹۸ ه.ق.) که پیروانشان سه مکتب ناصریه، قاسمیه و هادویه را در زیدیه تشکیل می‌دهند، جایگاه ویژه‌ای دارند. نکته مهم دیگری که کمتر به آن توجه شده است آنکه، بخش مهمی از دیدگاه این رهبران زیدیه در مسئله امامت را می‌توان از آثار فقهی‌شان استخراج کرد، آثاری مانند *الموجز فی فقه الإمام القاسم بن ابراهیم* از ناصر احمد

بن یحیی (ناصر لدین الله، ۱۴۳۸: ۴۴-۸۰)، *الأحكام فی الحلال والحرام* از هادی یحیی بن حسین (هادی الی الحق، ۱۴۳۴: ۳۹۳/۲-۴۴۸)، و *الإبانه فی فقه الناصر* از ابوجعفر هوسمی. مسائل مربوط به امامت در این قبیل منابع فقهی در بابی مستقل با عنوان «کتاب السیر» ذکر شده است.^۲ در این جستار، رویکرد زیدیان شمال ایران، به ویژه ناصر کبیر، به مسئله امامت را با محوریت متن و حواشی نسخه‌های *الإبانه* که از مهم‌ترین آثار فقهی تاکنون مخطوط باقی مانده زیدیان ناصری است، پی می‌گیریم.

معرفی اجمالی ناصر کبیر و مذهب وی

ابومحمد حسن بن علی، مشهور به ناصر الحق، ناصر کبیر و ناصر أطروش از نوادگان زین العابدین علی بن حسین (ع) از امامان برجسته و پذیرفته شده نزد همه زیدیه است. وی فقیهی متکلم، مفسری ادیب، مبارزی میدان‌دار و صاحب قلمی پُرکار بوده است (تنه‌جی، بی تا: ۱۳). ناصر پس از مهاجرت از عراق به ایران و طی چند دوره فعالیت در خراسان و طبرستان نهایتاً به سال ۳۰۱ ه.ق. بر طبرستان و بخش‌های مهمی از گیلان و دیلم مسلط شد و سرانجام در شعبان ۳۰۴ ه.ق. در آمل از دنیا رفت و به خاک سپرده شد (هوسمی، سده ۹: ۱۹۳؛ محلی، ۱۴۲۳: ۷۸/۲). پس از ناصر، بیشتر زیدیان شمال ایران که به دعوت او به اسلام و تشیع گرویده و پیرو مکتب فقهی کلامی او بودند، «ناصریه» نامیده شدند.

در برخی از منابع امامیه در زیدی بودن ناصر تشکیک شده (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۰۸/۲) و در برخی دیگر وی به قطع و یقین امامی دانسته شده است (مامقانی، ۱۴۲۷: ۱۰۳/۲۰-۱۰۴). ولی در جمع‌بندی دیدگاه‌های مختلف درباره مذهب ناصر باید گفت وی به صورت قطع و یقین زیدی مذهب بوده است (نک: موسوی‌نژاد و موسوی‌تینانی، ۱۳۹۴). در منابع مخطوط، از جمله *الإبانه*، نیز قرائن پُرشماری وجود دارد که جای تردید در زیدی بودن ناصر باقی نمی‌گذارد (نک: هوسمی، سده ۹: ۳۱۹، ۴۹۶، ۱۰۶۰، ۱۰۶۲؛ تنه‌جی، بی تا: ۱۸). از باب نمونه می‌توان به تصریح ناصر به امامت خودش در قسم‌نامه‌ای اشاره کرد که برای گرفتن زکات

امامت زیدیه در منابع کهن زیدیان ایران: جزء پژوهی نسخه‌های خطی کتاب *الإبانة* / ۲۶۱

مطرح شده است (هوسمی، سده ۹: ۳۱۲). به زودی خواهیم گفت که بر اساس عقیده زیدیه، گرفتن زکات از وظایف امام است.

در نمونه‌ای دیگر درباره تقدّم امامت ناصر بر امامت یحیی بن حسین که در یمن به سال ۲۸۰ ه.ق. کار خود را شروع کرده بود، از یکی از فقیهان برجسته زیدیان ناصری به نام ابوالرضا نقل شده است که دعوت ناصر بیش از ده سال قبل از دعوت یحیی، یعنی قبل از سال ۲۷۰ ه.ق.، بوده است. در آن زمان حاکم نیشابور، احمد بن عبدالله خجستانی، وقتی از دعوت مخفیانه ناصر و پیوستن جمع بسیاری به ناصر باخبر شد او را حبس کرد و تازیانه زد که همین موجب آسیب دیدن شنوایی او و ملقب شدنش به «أطروش»، به معنای کم‌شنوا، می‌شود (همان: ۱۰۶۲). این گزارش با گزارش بدگمانی دومین حاکم دولت علویان زیدی طبرستان، یعنی محمد بن زید (حک.: ۲۷۰-۲۸۷ ه.ق.) راجع به ناصر کبیر و اینکه او سودای امامت و دعوت به خود را در سر می‌پروراند (هارونی، ۱۴۳۵: ۱۰۲) همخوانی دارد.

هرچند به نظر می‌رسد بحث درباره امامت ناصر و اینکه آیا وی تصریح به امامت خود کرده یا نه، از همان ابتدا، به‌ویژه در مجادلات میان زیدیان ایران و یمن وجود داشته، در حواشی *الإبانة* آمده است که قاسمیه هادی را امام، و ناصر را آمر به معروف و ناهی از منکر می‌دانند و ناصریه ناصر را امام، و هادی را آمر به معروف و ناهی از منکر خوانده‌اند (هوسمی، سده ۹: ۱۰۶۲). چنانچه علی بن موسی باندشتی، از یاران و معاصران ناصر، رساله‌ای در اثبات امامت ناصر نگاشته بود (وجیه، ۱۴۲۰: ۷۲۳).

کتاب *الإبانة*

الإبانة اثر ابوجعفر محمد بن یعقوب هوسمی، دانشمند زیدی متوفای نیمه قرن پنجم در شمال ایران، مهم‌ترین و ماندگارترین میراث فقهی زیدیان ناصری و دربردارنده فتاوی ناصر کبیر به نقل از کتاب‌های متعدد او است. *الإبانة* همواره محل توجه زیدیان ناصری و یکی از مهم‌ترین منابعشان بوده و دانشمندان بسیاری پس از ابوجعفر هوسمی تا اواخر دوره فعالیت زیدیه در شمال ایران در قرن دهم هجری بر آن زواید افزوده و تعلیقاتی نگاشته و

نسخه‌های متعددی از آن فراهم آورده بودند. *الإبانه* و حواشی‌اش علاوه بر اینکه به عنوان متن اصلی فقه ناصریه در شمال ایران شناخته می‌شده، در میان زیدیان هادوی یمن نیز محل توجه بوده است (هوسمی، سده ۹: ۱۰۲۸؛ شهاری، ۱۴۲۱: ۸۴/۱؛ وجیه، ۱۴۲۰: ۲۹۳؛ حسینی اشکوری، ۱۴۱۳: ۱۸/۱). مهم‌ترین نسخه‌های در دسترس از این اثر مهم عبارت‌اند از: نسخه شماره ۳۳۵ کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی (حائری، ۱۳۴۶: ۳۸۴/۷-۳۸۸)، نسخه شماره ۹۱۸۹ کتاب‌خانه مرعشی نجفی (حسینی اشکوری، ۱۳۷۳: ۳۰۰/۲۳-۳۰۱)، نسخه شماره ۶۶۲۳ کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران (دانش‌پژوه، ۱۳۵۷: ۳۱۸/۱۶)، نسخه شماره ۳۱۸۸ کتاب‌خانه چستر بیٹی (آربری، ۱۹۶۲: ۱۰۹/۱).^۳

تعریف امامت

در *الإبانه* همچون برخی دیگر از آثار مرتبط زیدیان شمال ایران نظیر *الدعامة فی الامامة* اثر ابوطالب هارونی (متوفای ۴۲۴ ه.ق.) تعریفی برای امامت ذکر نشده است. فقط در برخی حواشی *الإبانه* آمده است که امامت یعنی تقدم، و امام در احکامی چون اجرای حدود، جماعات، فیء و صدقات، پیشوای شریعت و دارای احکام مخصوص بوده و دستی بالای دست او نیست (هوسمی، سده ۹: ۱۰۵۷).

ضرورت وجود امام

امامیه و معتزله ضرورت و وجوب وجود امام را عقلی می‌دانند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۱۳۶، ۱۳۸)، ولی زیدیان ناصری شمال ایران، همچون دیگر هم‌مسلكانشان، ضرورت وجود امام را نقلی دانسته‌اند. برخی از مستندات این مدعا چنین است:

- استناد به حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» برای حکم به جایز نبودن خلوصاً زمانه از حجت و امام (هوسمی، سده ۹: ۱۰۶۷).
- تکفیر قائلان به جواز خلوصاً زمان از شخصیتی از اهل بیت که صلاحیت امامت را دارند، به نقل از کتاب *اصول الدین ناصر کبیر* و استناد به حدیث حضرت علی (ع) خطاب به کمیل بن زیاد که فرمود: «لا یخلو الأرض من قائم بحجة الله تعالی إماماً ظاهراً مکشوفاً و إماماً

امامت زیدیه در منابع کهن زیدیان ایران: جزء پژوهی نسخه‌های خطی کتاب *الإبانه* / ۲۶۳

خافیا مستورا» (همان: ۱۰۶۷). این مضمون در کتاب *المسترشد ناصر* (جعفریان و لواسانی، ۱۳۹۲: ۶۵) و در کتب روایی امامیه، از جمله کافی، نیز دیده می‌شود (کلینی، ۱۳۷۶: ۱/۱۹۹-۲۰۱).

• در حاشیه *الإبانه* در تأیید وجوب و ضرورت شرعی امامت آمده است: «در جامعه باید کسی باشد که اقامه حدود و جمعه و جماعات کند، گرفتن صدقات و زکات را عهده‌دار گردد و شکی نیست که اینها کار امام است و چون همه این امور شرعی است؛ پس وجوب آن نیز عقلی نمی‌تواند باشد، اجماع صحابه و اقدام فوری آنان در جمع شدن در سقیفه نیز دلالت بر همین وجوب شرعی دارد» (هوسمی، سده ۹: ۱۰۶۷).

از قرائن یادشده و نیز تصریح هوسمی در شرح *الإبانه*، که ضرورت عقلی و سمعی را به امامیه نسبت داده است (همان)، چنین برداشت می‌شود که زیدیان ناصری ضرورت وجود امام را مستند به دلیل سمعی می‌دانند و ضرورت عقلی وجود امام را مطرح نکرده‌اند.

راه‌های شناخت امام

در *الإبانه* منحصرأً دو راه برای شناخت امام بیان شده است، نخست نصّ که با آن امامت علی و حسنین (ع) ثابت می‌شود؛ و دیگری، دعوت به خدا و رسول و به خویش که راه شناخت بقیه امامان زیدیه است (هوسمی، سده ۹: ۱۰۵۸-۱۰۶۰).

نصّ و کیفیت آن: در *الإبانه* نصّ به عنوان راه شناخت امامت علی (ع) و پس از ایشان امامت حسن و حسین (ع) ذکر شده و توضیحی درباره اینکه نصّ بر امامت امام علی و حسنین (ع) جلی بوده یا خفی، نیامده است. ولی در حواشی *الإبانه* آمده است که نصّ بر حسنین (ع) جلی بوده است، چراکه پیامبر فرمود این دو امام هستند، چه قیام کنند و چه قیام نکنند: «هذان امامان قاما او قعدا» (همان: ۱۰۶۰). در حاشیه دیگری، «نصّ» را در لغت به اظهار و در اصطلاح به آنچه مراد از ظاهر آن فهمیده می‌شود، تعریف کرده و به نقل از شرح *الإبانه* هوسمی آورده است که نصّ بر سه قسم است: اول نصّ به اسم، مانند آیه «محمد رسول الله...» (فتح: ۱۹). دوم، نصّ به اشاره، چنانچه پیامبر فرمود: «و هذا علی مولاہ؛

و هذان إمامان»؛ و سوم، نصّ به صفت، مانند آیه «أولو الأرحام بعضهم أولى ببعض فی کتاب الله» (انفال: ۷۵) که اوصاف رحم، اسلام و هجرت فقط در حضرت علی (ع) جمع شده است (همان). در حاشیه دیگری به اختلاف زیدیه و امامیه درباره اینکه نصّ بر امامت امامان نخست خفی است یا جلی، اشاره شده است (همان). از حاشیه دیگری چنین برداشت می‌شود که برخی زیدیان نصّ بر امامت علی (ع) را نیز جلیّ می‌دانند: «إعلم إن عند الزیدیه المنصوصین ثلاثة لا غیر؛ أی المنصوصین علی الأعیان لا المنصوصین علی الصفات» (همان). نتیجه اینکه، ناصریان در منصوص بودن سه امام با امامیه مشترک بوده‌اند، ولی در کیفیت نصّ و جلیّ و خفی بودنش بین زیدیان ناصری اختلافاتی دیده می‌شود.

دعوت و ارکان آن: راه دیگر شناخت امام، دعوت از مردم برای همراهی با امام و قیام است. با این ملاک امامت امامانی همچون زید و یحیی بن زید و محمد نفس زکیّه و سایر قیام‌کنندگان از اولاد حسنین (ع) ثابت می‌شود (هوسمی، سده ۹: ۱۰۶۰).

از آنچه در باب راه‌های شناخت امام بیان شده می‌توان نتیجه گرفت که ناصر و زیدیان ناصری، مانند دیگر زیدیه بعد از امام حسین (ع)، به امامت امامی جز زید معتقد نبوده‌اند؛ مسئله‌ای که به آن در برخی حواشی *الإبانه* نیز تصریح شده است (همان). بر اساس نظر ناصر، چهار رکن دعوت که امامت با آنها ثابت می‌شود، به ترتیب عبارت‌اند از: دعوت به کتاب خداوند؛ دعوت به سنت پیامبر (ص)؛ دعوت به الرضا من آل محمد (ص) و دعوت به پیروی و فرمان‌برداری از خود؛ چنانچه حضرت علی و حسنین (ع) مردم را به خدا و رسول و خویشتن دعوت کردند (همان). همان‌گونه که می‌بینیم در اینجا سخنی از خروج و شرط‌بودنش در دعوت به میان نیامده است.

نکته دیگر در بحث دعوت لزوم آشکار بودن آن یا کفایت دعوت پنهانی است. در این زمینه از فقیهان زیدی صاحب حاشیه تردیدهایی دیده می‌شود؛ ولی ظاهراً نظریه ارجح نزد آنان پذیرش دعوت پنهانی است، چنانچه در مقام پاسخ به ایراد کسانی که به دعوت پنهانی ناصر کبیر در خراسان قبل از دعوت آشکار هادی یحیی بن حسین در یمن در سال ۲۸۰ ه.ق. اشکال کرده‌اند، در برخی از حواشی *الإبانه* آمده است که اگر دعوت سرّی ناصر مانع

امامت زیدیه در منابع کهن زیدیان ایران: جزء پژوهی نسخه‌های خطی کتاب *الإبانه* / ۲۶۵

انعقاد امامت باشد، باید بگوییم امامت قاسم بن ابراهیم رسی (متوفای ۲۴۶ ه.ق.) نیز منعقد نشده، چراکه دعوت او نیز پنهانی بوده است. در حالی که همه زیدیه بر امامت او متفق‌الرأی‌اند (هوسمی، سده ۹: ۱۰۶۲).

موضوع دیگر نحوه و کیفیت دعوت است. در حاشیه‌ای بر *الإبانه* آمده است که اگر امام از مردم به هنگام بیعت بخواهد که دست در دست او بگذارند، بر مردم واجب است اطاعت کنند ولی اگر طلب نکند، همان اعتقاد به امامت او کافی است (همان). در همین خصوص روایتی از زید نقل شده است که ابومعمر به زید گفت: «دست بگشای تا با تو بیعت کنم». زید امتناع کرد و گفت: «تو جوانی و می‌ترسم باری بر دوش تو نهم که تاب نیاوری». ابومعمر زید را قسم داد و زید دست خود را دراز کرد و در ایستادگی و از جان گذشتگی در جهاد با یکدیگر میثاق بستند (همان: ۱۰۶۳؛ علوی کوفی، ۱۴۳۵: ۱۷۸/۸). ناصر کبیر می‌گوید: «هر کس که با امام بیعت کرد، حق به هم زدن و طلب اقاله بیعت را ندارد» (همان)؛ و در حاشیه آمده است: «پس از بیعت با امام، امام نیز حق به هم زدن امامت خود و طلب اقاله را ندارد؛ چنانچه ابوبکر از مردم طلب اقاله کرد و صحابه از او قبول نکردند» (هوسمی، سده ۹: ۱۰۶۳).

به نظر می‌رسد زیدیان که در اصل امامت و ضرورت آن پای‌بند دلایل سمعی هستند، چون در جزئیات همچون بحث دعوت و کیفیت آن نصی نیافته‌اند، به سیره صحابه تمسک جسته‌اند.

وظایف امامان دعوت

وظایف ذکر شده در منابع زیدیه برای امام، مخصوص امامان دعوت بوده و آنان از امامان منصوص متمایزند؛ چراکه زیدیه در امامان نوع اول که منصوص‌اند، عصمت را لازم می‌دانند و راه شناخت عصمتشان نیز نص است (همان: ۱۰۶۰). مهم‌ترین وظایف این دسته از امامان در دیدگاه زیدیه عبارت‌اند از:

امر به معروف و نهی از منکر: این شرط نزد زیدیه بر همه شروط دیگر مقدم است، تا آنجا که ناصر کبیر امر معروف و نهی از منکر را مقدم بر دعوت به توحید و نبوت آورده

است (همان: ۱۰۵۷). در سیره ناصر آمده است که وی در از بین بردن رسومات ظالمانه کوشا بود (محلی، ۱۴۲۳: ۶۸/۲). همیشه به امر به معروف و نهی از منکر سفارش می‌کرد (هوسمی، سده ۹: ۱۰۶۴-۱۰۶۵؛ محلی، ۱۴۲۳: ۶۲/۲). بر اقامه حدود و برپاداشتن جمعه و جماعات نیز که از وظایف امام دانسته شده، تحت همین عنوان تأکید شده است (هوسمی، سده ۹: ۱۰۶۷).

جهاد با کافران و اهل بغی (همان: ۱۰۶۸)؛ در حواشی *الایبانه* به نقل از امام زیدیه شمال ایران ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (متوفای ۴۲۴ ه.ق.) آمده است که اگر امام با امکان جهاد، ترک جهاد کند، نمی‌تواند واجبات را استیفا کند، و طلب علم هم نمی‌تواند عذر ترک جهاد باشد، چراکه ثواب اشتغال به علم با ترک جهاد از بین می‌رود (همان: ۱۰۶۲). از لوازم جهاد، تقویت قوای نظامی است که ناصر با استناد به آیه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوّة و من رباط الخیل» (أنفال: ۶۰) یکی از وظایف امام را دستور به ورزش‌ها و تمرین‌های رزمی، همچون چوگان و نظارت بر آن، دانسته است، چراکه باعث تقویت قوای نظامی می‌شود (هارونی، ۱۴۳۵: ۱۰۸).

امور مربوط به بیت‌المال: مانند جمع‌آوری زکات و انفاق؛ بر اساس نظر ناصر، شخص پرداخت‌کننده زکات باید به امامت امام اعتقاد داشته باشد تا واجب را به جا آورده باشد (هوسمی، سده ۹: ۱۰۶۶). در تقسیم غنائم نیز حضور امام در معرکه ضروری دانسته شده است. در همین خصوص از محمد بن صالح (متوفای ۶۷۵ ه.ق.)، یکی از متفکران برجسته زیدیه ناصریه شمال ایران و نویسنده *زوائد الایبانه*، نقل شده است که علمای ما در باب امامت، تقسیم غنائم را از وظایف مختص به امام آورده‌اند (همان: ۱۰۸۰).

شرایط امامان دعوت

در اندیشه امامت زیدیه شرایط ذکرشده برای امامان نیز همچون وظایفشان، مخصوص امامان دعوت است و شامل امامان منصوص که معصوم بوده و راه شناختشان نصّ است، نمی‌شود. درباره شرایطی که امام باید واجد آن باشد اگرچه برخی منابع متأخرتر زیدیه تا چهارده شرط را ذکر کرده‌اند (شرف‌الدین، ۱۴۱۴: ۲۲۰)، ولی در نگاه

امامت زیدیه در منابع کهن زیدیان ایران: جزء پژوهی نسخه‌های خطی کتاب *الإبانه* / ۲۶۷

ناصر کبیر و ناصریه از زیدیه، شرایط بیان شده برای امام، محدودتر و بدون تفریع است. این شرایط عبارت‌اند از:

فاطمی بودن امام: یعنی نسب امام از طریق پدر، باید به فاطمه (ع) برسد (هوسمی، سده ۹: ۱۰۶۱). ناصر در کتاب *الأخبار* روایتی را از پدرانش به نقل از پیامبر اکرم (ص) آورده و چنین برداشت می‌کند که فرزندان حضرت علی (ع) از فاطمه زهرا (س) افضل فرزندان آدم‌اند (شهردویر، بی تا: ۴۰۷). این روایت با اختلافاتی در منابع امامیه همچون *الخصال* نیز آمده است (صدوق، ۱۳۶۲: ۳۶/۱). چنان‌که گفتیم، در اندیشه زیدیه شرایط ذکر شده شامل امامان منصوص نمی‌شود، چراکه امامت آنان از طرف خدا تعیین شده است. ولی برخی از محشیان *الإبانه* بدان توجه نکرده و درباره شرط فاطمی بودن از طریق پدر که حسنین (ع) واجدش نبوده‌اند، دست به توجیهاتی زده‌اند (هوسمی، سده ۹: ۱۰۵۷).

افضلیت امام: یکی از ملاک‌های شرط شده برای امام، که ناصریان همچون دیگر زیدیان با تفاوت‌هایی بدان اشاره کرده‌اند، افضلیت است. ولی این ملاک از جهات مختلف در رویکرد ناصریه به امامت با ابهاماتی همراه بوده و سبب آن می‌تواند تقیه یا نداشتن دلایل محکم باشد. برخی از این ابهامات عبارت‌اند از:

ابهام در راه شناخت افضل: درباره امامان منصوص راه شناخت همان نص جلی یا خفی است. ولی افضلیت امامان دعوت که نصی درباره آنها نیست، چگونه شناخته می‌شود؟ هوسمی در شرح *الإبانه* آورده است:

چنانچه در هر شهری مردم آن شهر بهترین‌ها را در صنایع و حرفه‌ها می‌شناسند، راه شناخت افضل فاطمیان نیز پرسیدن عامه مردم از اهل فضل و علم است و اگر افضل از دو یا چند فرد روشن نبود، امامت آن کسی که در دعوت مقدم است، منعقد می‌گردد و اگر هر دو با هم ادعای امامت کردند امامت هر دو ساقط و باطل است. ولی پس از آن هر کدام زودتر اعاده دعوت کرد امامت از آن او است (همان: ۱۰۵۸).

در جایی دیگر به نقل از کتاب *المرشد* از کتب فقهی ناصریه آمده است:

اگر دو امام به صورت هم‌زمان ادعای افضلیت کردند، باید مناظره کنند تا افضل مشخص گردد و اگر یکی از مناظره شانه خالی کرد، امامت از آن دیگری است؛ چون طفره رفتن او نشان از کاستی او دارد. و چنانچه هیچ یک حاضر به مناظره نشدند اینجا دو نظر وجود دارد؛ یا اینکه با مصالحه امر به هر دو واگذار گردد، یا اینکه امامت هیچ کدام پذیرفته نشده و مردم در خانه بمانند تا آنها تن به مناظره داده افضل مشخص شود یا امامی دیگر اظهار امامت کند (همان).

بر اساس آنچه ذکر شد، به صورت مشخص و قطعی روشن نیست که راه شناخت افضل کدام است. پرسیدن از اهل علم؟ یا تقدم در دعوت؟ یا مناظره با خواص؟ یا مصالحه؟ آیا همه اینها قابل جمع است یا باید به ترتیب به کار گرفته شود؟

ابهام در ملاک افضلیت: از گزارش‌های اشاره شده در بحث قبل چنین استنباط می‌شود که ملاک افضلیت قدرت علمی و مقبولیت مقام علمی است. در صورتی که در کلمات نقل شده از ناصر کبیر ملاک افضلیت زید نه مقام علمی او بلکه به صورت شرط متأخر، قیام و جان‌فشانی او دانسته شده است: «زید طالبان علم را به جعفر بن محمد (ع) حواله داد و جعفر بن محمد (ع) هر چند به لحاظ سنی از زید بزرگ‌تر بود ولی خانه‌نشینی اختیار کرد و زید به دلیل قیامش افضل گردید، چراکه خداوند مجاهدان را بر قاعدان برتری داده است (نساء: ۹۵)» (همان: ۱۰۵۹-۱۰۶۰). این یعنی زید قبل از قیام نسبت به امام جعفر صادق (ع) افضل نبوده و با قیام افضل شده است! برخی از صاحبان حاشیه بر *الإبانه* نیز به روشن نبودن این سخن ناصر توجه کرده و در توجیه کلام وی کوشیده‌اند (همان: ۱۰۶۰).

همچنین، وی در روایتی دیگر به نقل از امام صادق (ع) آورده است که آن حضرت با اشاره به قیام عموی خود زید فرمود: «قیام و قعود ما هر دو برای اسلام و مکمل یکدیگر است؛ اگر همگی خروج کنیم کشته خواهیم شد و اگر همه ساکت بنشینیم حجّت ناتمام و امر و نهی خداوند زمین می‌ماند» (همان: ۱۰۵۹). روایت دیگری با همین مضمون از عبدالله بن حسن مثنی، پدر محمد نفس زکیه، نقل شده که در آن آمده است: «قیام و قعود آل محمد

(ص) مکمل یکدیگرند» (همان). در این قبیل روایات قیام و قعود مکمل یکدیگر شناخته شده و سخنی از افضلیت قیام‌کننده نیست.

ابهام در حکم امامت مفضول: در صورتی که فرد مفضول قیام کرد، آیا دعوت و قیام وی می‌تواند باعث افضلیت شود؟ آن‌گونه که درباره قیام زید گفته شد؟ ناصر کبیر برخلاف آنچه به زید نسبت داده شده که امامت مفضول را روا می‌دانسته (شهرستانی، ۱۳۹۵: ۱/۱۵۵) تصریح کرده است که امامت مفضول جایز نیست و مفضول باید امامت را به افضل بسپارد و الا فاسق و دنیاطلب است (هوسمی، سده ۹: ۱۰۵۸). در حاشیه و در توضیح سخن ناصر آمده است: «در تسلیم امر به افضل فرقی بین تقدم دعوت مفضول یا معذور بودن افضل از تصدی امر امامت، مانند در بند اسارت بودن او نیست. در چنین شرایطی به محض خلاصی افضل، مفضول باید امر امامت را به او تسلیم کند» (همان). در همین خصوص هوسمی در شرح *الإبانه* آورده است: «قاسمیه امامت مفضول را جایز نمی‌داند، مگر اینکه افضل از تصدی امامت معذور باشد، مانند اینکه در اسارت باشد. و اگر بعد از منعقد شدن امامت مفضول، عذر افضل برطرف گردید بر مفضول واجب نیست امامت را تسلیم افضل کند، چون به واسطه تحمل مشقت‌های امر امامت فرد مفضول، افضل می‌گردد» (همان).

بر اساس این دیدگاه نقل شده از زیدیان قاسمیه می‌توان افضلیت زید را توجیه کرد. ولی نگرش ناصر و ناصریه درباره امامت فرد مفضول و ضرورت تسلیم امر به افضل روشن نیست.

ابهام در اختصاص شرط افضلیت به امامان دعوت: آیا در صورت تقدم مفضول بر امامان منصوص هم باید حکم به فسق مفضول کرد؟ به نظر می‌رسد اگر تقدم مفضول بر امامان دعوت ناروا و موجب فسق وی می‌شود درباره تقدم مفضول بر امامان منصوص به طریق اولویت باید چنین باشد. حال آنکه از ناصر کبیر درباره کسانی که امامت را به امام منصوص افضل، یعنی علی (ع)، نسپردند در متن *الإبانه* تصریحی دیده نمی‌شود. در حواشی، این احتمال مطرح شده که ناصر در این مسئله، به‌ویژه درباره دو خلیفه نخست،

همچون قاسم رسی تقیه کرده یا بر اساس نقلی دیگر قاسم رسی همچون مؤید بالله هارونی (متوفای ۴۱۱ ه.ق.) توقف کرده است (همان). البته در نقل متفاوتی آمده است که ناصر کبیر در چندین کتابش، هر سه خلیفه نخست را تفسیق کرده است (همان)؛ و در حاشیه دیگری آمده است کلام ناصر درباره عثمان تصریح به فسق، و درباره شیخین محتمل است. یعنی روشن نیست آیا آن دو را تفسیق کرده یا خیر.

همچنین، از ابوالعباس حسنی، ابوطالب هارونی و ابوالفضل الناصر، از دیگر شخصیت‌های برجسته زیدیان شمال ایران، نقل شده است که آنها به فسق همه آنان قطع داشته و به آن تصریح کرده‌اند. از ابوطالب هارونی نقل شده است که وی تفسیق متقدمان بر امام علی (ع) را محل اجماع اهل بیت دانسته و برای آن چنین استدلال کرده است که آنان یا خبر از ولایت و امامت امام علی (ع) داشتند و در عین حال به امامت ایشان تن ندادند یا خبر از امامت و ولایت ایشان نداشتند و مصداق حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» بوده‌اند. در هر دو صورت فسقشان مسلم است (همان: ۱۰۶۱). شهرستانی هم می‌گوید: «پس از تثبیت حکومت زیدیان در شمال ایران آنان از اعتقاد به امامت مفضول روی‌گردان شده و چون امامیه بر خلفا طعن می‌زدند» (شهرستانی، ۱۳۹۵: ۱۵۷/۱).

در جمع‌بندی گزارش‌های موجود در *الإبانه* درباره افضلیت و ملاک آن و نیز امامت مفضول، به نظر می‌رسد نظر ناصریه یک‌دست و روشن نیست. گویا آنان در توجیه افضلیت زید که به کیان زیدیه بازمی‌گردد دیدگاه روشنی مطرح نکرده‌اند.

ورع و تقوای امام: از شرایط امام که در *الإبانه* بدان توجه شده اهل ورع بودن است. در حاشیه *الإبانه* ورع به انجام‌دادن واجبات و ترک گناهان کبیره تعریف شده است (هوسمی، سده ۹: ۱۰۶۱). ناصر کبیر شجاعت و سخاوت را که در دیگر منابع زیدیه مستقل ذکر شده (ناصر لدین‌الله، ۱۴۳۸: ۸۰؛ هادی الی الحق، ۱۴۲۱: ۳۹۶/۲) داخل در ورع و از لوازم آن می‌داند؛ وی معتقد است ورع، موجب می‌شود امام از آمادگی برای مبارزه و جنگیدن سر باز نزند و بیت‌المال را در جای خودش مصرف کند و همین مقدار در سخاوت کافی است (هوسمی،

امامت زیدیه در منابع کهن زیدیان ایران: جزء پژوهی نسخه‌های خطی کتاب *الإبانه* / ۲۷۱

سده ۹: ۱۰۶۱-۱۰۶۲). ناصر با گنجاندن شجاعت و سخاوت در تعریف «ورع» به نوعی، اهل ورع بودن را لازمه قیام و مبارزه دانسته و گویا با همین تعریف، برخی از ناصریان، زید را اورع از امام صادق (ع) معرفی کرده‌اند (همان: ۱۰۶۰).

علم امام: در *الإبانه* برای فضیلت علم و لزوم آن برای امام، ادعای اجماع شده است (همان: ۱۰۶۱). ناصر کبیر سطح علمی لازم برای امام را قدرت وی بر فتوا می‌داند (همان). ولی تعبیر «اعلمیت» را به کار نبرده است. همان‌گونه که قاسم رسی نیز در شرایط امام، صرفاً دانستن حلال و حرام را کافی دانسته است (ناصر لدین‌الله، ۱۴۳۸: ۸۰). این در حالی است که هادی الی‌الحق در ملاک‌های افضلیت، نخست علم را آورده و معتقد است اعلم مقدم است و اگر هر دو اعلم بودند، اورع مقدم است و اگر در علم و ورع مساوی بودند، زاهدتر مقدم است. وی سخاوت و شجاعت را در مرحله بعد قرار داده است (هادی الی‌الحق، ۱۴۲۱: ۳۹۶/۲). برخی از زیدیان شمال ایران، همچون ابوطالب هارونی متأثر از نظر هادی، اعلمیت را شرط دانسته و حتی زید را در علم نیز افضل از دیگران، حتی از امام جعفر صادق (ع)، دانسته‌اند. ابوجعفر هوسمی در کتاب *دیگرش اصول‌الدیانات*، نظر ابوطالب هارونی در افضلیت علمی زید و وجوب عقیده بدان را آورده و گویا خود هوسمی نیز این نظر را پذیرفته است (هوسمی، سده ۹: ۱۰۵۹). ولی متفکران دیگری از زیدیان شمال ایران متأثر از نظر ناصر، اعلمیت را در مرتبه‌ای پایین‌تر از توانایی اجرای احکام الهی و امور سیاسی ذکر کرده‌اند (همان: ۱۰۶۰).

برخی دیگر از ناصریه از نظر ناصر عدول کرده و علم در حد اجتهاد را نیز لازم نمی‌دانند. از ناصر الرضا، از امامان و فقیهان برجسته ناصری در قرن ششم، نقل شده است که اگر مجتهدی در زمانه نبود، اعلمیت در سیاست و دانستن امور کشوری و لشکری برای امامت کفایت می‌کند و لزومی ندارد امام در ابوابی همچون طهارت و صلوات مجتهد باشد (همان: ۱۰۶۱). در بین زیدیان یمن نیز مسئله جواز امامت فرد مقلد (غیرمجتهد) مطرح بوده است (مهدی لدین‌الله، ۱۳۶۶: ۳۷۹/۲-۳۸۰).

تناسب شرایط و وظایف امامان دعوت

در مقایسه شرایط و وظایف امامان در اندیشه زیدیه باید گفت شرایط در نظر گرفته شده برای این امامان دعوت متناسب با وظایفشان است. به همین دلیل و با توجه به نمونه وظایف ذکر شده برای امام، در شرایط امام نیز سخنی از شأن الاهی امام، عصمت، علم فراگیر، جانشینی رسول خدا و وظیفه بیان غوامض شریعت به میان نیامده است. در وظایف امامان دعوت آنچه مهم است قیام و خروج برای امر به معروف و نهی از منکر است و برای این کار نیازی به علم الاهی و عصمت نیست، بلکه شجاعت و تدبیر کفایت می‌کند و حتی سرزدن گناهان کبیره از امام مانع امامتش به حساب نیامده و با توبه جبران پذیر است (هوسمی، سده ۹: ۱۰۷۲). مردم هم در چنین حالتی باید توبه او را بپذیرند و بدانند که امتناع از پذیرش امامت امام آتش دوزخ را در پی دارد (همان: ۱۰۶۴). هرچند در گزارشی متفاوت صاحب‌المعنی مدعی شده است که ناصر کبیر در برخی آثارش، مانند امامیه، عصمت را برای امام لازم دانسته است (لاهیجی دیلمی، بی تا: ۲۹۵). همچنین، بر اساس قول منسوب به ناصر، امامان دعوت در جمع‌آوری زکات و غنایم و مشابه آن، حاجت به علم گسترده و اعلم‌بودن ندارند، بلکه علم در حد توان فتوا برایشان کفایت می‌کند (همان: ۱۰۶۱). هرچند در این خصوص نیز از برخی از ناصریان نقل شده است که آنان اعلمیت را شرط امامت امام دانسته‌اند (همان: ۱۰۶۰). امامان دعوت برای انجام‌دادن وظایفشان به ارتباط و حیانی نیاز ندارند؛ چنانچه در متن *الایاتة* سخنی از ناصر کبیر نقل شده که ابوجعفر هوسمی مفادش را مخالفت با اعتقاد امامیه مبنی بر صدور معجزه از امامان و نوعی ارتباط و حیانی آنان و نزول صحایف بر ایشان، تلقی کرده است (همان: ۱۰۶۶).

دو امام هم‌زمان

زیدیان در مبحث امامت، توجه خاصی به وجود دو یا چند مدعی امامت داشته و برای آن، شرایط چندی بیان کرده‌اند. هادی الی‌الحق که امامت وی در یمن (۲۸۰-۲۹۸ ه.ق.) هم‌زمان با امامت ناصر کبیر در شمال ایران (۲۸۷-۳۰۴ ه.ق.) بوده، مخالف مشروعیت دو امام

هم‌زمان است و در حالتی که دو امام، هم‌زمان، مدعی امامت باشند می‌گوید: «امامت به اعلم آن دو می‌رسد و اگر هر دو در علم مساوی بودند، به اورع آنها و اگر در ورع نیز مساوی بودند، زاهدترین آنها». سپس فرضیات مسئله را با ذکر سخاوتمندترین، شجاع‌ترین، بارحم‌ترین، متواضع‌ترین، صبورترین، خوش‌اخلاق‌ترین، مسن‌ترین، زیباروترین، زیرک‌ترین، و خوش‌بیان‌ترین ادامه می‌دهد. پرداختن به فروعات و فرضیات مسئله به گونه‌ای است که در ادامه ذکر آنها می‌نویسد: «تا ابد چنین شرایطی بین دو نفر مساوی نخواهد شد، ولی از باب احتیاط و دفع شک و شبهه، بقیه فرضیات را می‌آورم» (هادی الی الحق، ۱۴۲۱: ۳۹۶/۲-۳۹۷). احتیاط مد نظر هادی الی الحق مؤید آن است که زیدیان توجه ویژه‌ای به مسئله وجود دو امام هم‌زمان داشته و همواره آن را مد نظر قرار داده بودند.

بر اساس برخی گزارش‌ها، دیدگاه جواز دو امام هم‌زمان مسبوق به اعتقاد شخص زید و زیدیان بتریه است (شهرستانی، ۱۳۹۵: ۱۵۵/۱، ۱۶۱). در گزارشی جواز دو امام هم‌زمان، اجماعی دانسته شده و قاسم رسی جواز دو امام هم‌زمان را به جواز دو پیامبر هم‌زمان، که به استناد قرآن بارها در تاریخ اتفاق افتاده، تشبیه کرده و به قیاس اولویت پذیرفتنی دانسته است (علوی کوفی، ۱۴۳۵: ۱۶۷/۸). ناصر کبیر، برخلاف هادی الی الحق که وجود دو امام را در یک عصر جایز نمی‌داند (هادی الی الحق، ۱۴۲۱: ۵۹۹)، وجود دو امام در یک زمان را به شرط دوری سرزمین‌هایشان از یکدیگر جایز می‌داند (هوسمی، سده ۹: ۱۰۵۸). در تاریخ زیدیان شمال ایران نیز بارها این موضوع اتفاق افتاده و محل مناقشه شده است، از جمله در قرن پنجم هجری دو امام هم‌زمان، یعنی ابوالرضا کیسمی و هادی حقیقی با وساطت علمای گیلان و دیلم با یکدیگر مصالحه کردند تا هم‌زمان اولی در گیلان و دومی در دیلم امامت کنند (همان؛ مادلونگ، ۱۹۸۷: ۱۴۳-۱۴۴). البته در میان فقهای ناصری برخی همچون ابوجعفر هوسمی متأثر از هادویه، دو امام هم‌زمان را جایز ندانسته‌اند (هوسمی، سده ۹: ۱۰۵۸). علی بن پیرمرد لاهیجی، از زیدیان ناصریه، نیز در گزارشی که عجیب به نظر می‌رسد آورده است: «صحیح از مذهب ناصر و عموم سادات عدم جواز دو امام در یک زمان است، چراکه این امر موجب فتنه و فساد و هرج و مرج می‌شود» (لاهیجی دیلمی، بی‌تا: ۲۹۴).

نتیجه

امامیه با تأکید بر ملاک نصّ (شهرستانی، ۱۳۹۵: ۱۶۲/۱؛ سبحانی، ۱۴۲۴: ۳۴۹/۶) دیدگاه روشنی را درباره امامت مطرح کردند. معتزله و برخی از زیدیه با نظریه جواز امامت مفضول (شهرستانی، ۱۳۹۵: ۱۶۱/۱؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۱۶۴؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۳/۱) خود را از پیامدهای ملاک‌های متغیر خلاص کردند. اما بخش مهمی از زیدیان، از جمله ناصریه، به عنوان جریان غالب زیدیه در شمال ایران با تغییر ملاک نص به ملاک‌های متغیر دیگر در ترسیم دیدگاهی منسجم دچار مشکل شدند تا حدّی که اگر دو نفر مدعی امامت شدند در ترجیح یکی بر دیگری ملاک را به زیبایی خدّ و خال تنزّل دادند (هوسمی، سده ۹: ۱۰۶۰). آنان تعریف روشنی از امامت مطرح نکردند، دلایل ضرورت وجود امام را سمعی دانستند ولی شأن امام را در شریعت اندک لحاظ کردند، و بیشتر سیاسی شمردند. ملاک افضلیت نیز از دیدگاه آنان روشن نیست؛ چنانچه درباره زید گفته‌اند، وی به دلیل قیام افضل شد. یا درباره امامت مفضول گفته‌اند اگر اظهار امامت کرد و امامتش منعقد شد واجب نیست امر را تسلیم افضل کند؛ چون به واسطه تحمل مشقت‌های امر امامت افضل می‌شود (همان: ۱۰۵۸). آنان نه مانند امامیه امامت را منصبی الهی می‌دانند و نه مانند سلیمانیه به مردم و شورا اهمیت می‌دهند (شهرستانی، ۱۳۹۵: ۱۵۹/۱) و نه معیارهایی همچون اعلیّت را مهم می‌دانند. امامان را به امامان منصوص و امامان دعوت تقسیم کرده و برای امامان دعوت وظایفی را مشخص کرده‌اند که برای تصدی امور نیازی به عصمت و اعلیّت ندارند و فقط شجاعت و تدبیر کافی است. در صورت تساوی دو نفر در ملاک‌ها، هر کس زودتر دعوت کند و با او بیعت شود مقدم است. گویی چند نفر منتظر امامت فرض شده که هر کدام زودتر بدان رسید امامتش منعقد می‌شود.

پیامد برخی از ابهامات و اشکالات در نگرش زیدیه ناصریه به امامت، تنزل شأن و جایگاه امامت است. گاهی شخص خود را واجد شرایط می‌داند و قیام می‌کند ولی دیگران او را امام نمی‌دانند؛ چنانچه از ناصر اشاره‌ای در به رسمیت شناختن امامت حسن و محمد بن زید، که هر دو پیش از او در شمال ایران قیام کرده بودند، دیده نمی‌شود. ابوطالب

امامت زیدیه در منابع کهن زیدیان ایران: جزء پژوهی نسخه‌های خطی کتاب *الإبانه* / ۲۷۵

هارونی نیز در *الإفاده* همچون زیدیان متقدم یمن آن دو را در ردیف امامان زیدیه نیاورده است. رأی قطعی ناصر به عنوان سرسلسله مکتب ناصریه نیز در برخی امور همچون عصمت امامان دعوت و جواز وجود دو امام هم‌زمان چندان روشن نیست. در گزارش *الإبانه* وی عصمت را برای امام شرط ندانسته و وجود دو امام هم‌زمان را جایز شمرده است، ولی قول دیگری ذکر شده که وی قائل به لزوم عصمت و جایز نبودن دو امام هم‌زمان بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در نسخه‌های خطی *الإبانه*، اثری از تقسیم‌بندی‌های ذکر شده در سایر منابع دیده نمی‌شود.
۲. «سیر» جمع «سیره» که در لغت به معنای راه و روش و رفتار است و در کتب فقهی به معنای راه و روش امامان در امور حکومتی، جنگ‌ها و معاملات است (هوسمی، سده ۹: ۱۰۵۷).
۳. در این جستار به سبب امتیازات نسخه مجلس، بیشتر ارجاعات به این نسخه بوده و به دلیل نقش محوری هوسمی در این مجموعه نام وی به عنوان پدیدآورنده اصلی در نظر گرفته شده است.
۴. بزرگ‌تربودن امام جعفر صادق (ع) از عمویشان زید در گزارش‌های تاریخی مشهور تأیید نشده است.

منابع

- قرآن کریم.
- آربری، آرثر. ج. (۱۹۶۲). *فهرس المخطوطات العربية فی مکتبه تشستریتی*، ترجمه: محمود شاکر سعید، عمان: المجمع الملكي لبحوث الحضارة الاسلامية (مؤسسة آل البيت (ع)).
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳). *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت: دار الاضواء.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۳۸۵). *شرح نهج البلاغة*، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- تنهجی، حاجی حسین (بی تا). *کتاب السیر*، نسخه خطی مکتبه کاشف الغطاء، شماره ۱۵۷۳.
- جعفریان، رسول؛ لواسانی، سید محمدرضا (۱۳۹۲). «رساله اثبات وجود صاحب الزمان نوشته شیخ بهایی»، در: *آئینه میراث*، ش ۵۲، ص ۶۳-۸۴.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱). *امامت پژوهی*، زیر نظر: محمود یزدی مطلق (فاضل)، مشهد: دانشگاه علوم رضوی.
- حائری، عبدالحسین (۱۳۴۶). *فهرست نسخه های کتابخانه مجلس شورای ملی*، تهران: چاپخانه مجلس.
- حسینی اشکوری، سید احمد (۱۳۷۳). *فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۲۳.
- حسینی اشکوری، سید احمد (۱۴۱۳). *مؤلفات الزیدیه*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۵۷). *فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران*، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱۶.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۴). *بحوث فی الملل والنحل*، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
- شرف الدین، علی بن عبد الکریم (۱۴۱۴). «الزیدیه: الطائفة والمذهب»، در: *الموسم*، العدد ۱۸.
- شهری، ابراهیم بن قاسم (۱۴۲۱). *طبقات الزیدیه الكبرى*، تحقیق: عبد السلام بن عباس وجیه، عمان: مؤسسه الإمام زید بن علی الثقافیه.
- شهردویر، ابوالفضل (بی تا). *تفسیر کتاب الله*، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۸۳۰۹.
- شهرستانی، محمد بن عبد الکریم (۱۳۹۵). *الملل والنحل*، تحقیق: محمد سید کیلانی، بیروت: دار المعرفة.

امامت زیدیه در منابع کهن زیدیان ایران: جزء پژوهی نسخه‌های خطی کتاب *الإبانه* / ۲۷۷

علوی کوفی، محمد بن علی (۱۴۳۵). *الجامع الکافی*، تحقیق: عبد الله بن حمود عزی، صعده: مؤسسة المصطفی الثقافية.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۶). *اصول الکافی*، تهران: دار الأسوة.

لاهیجی دیلمی، علی بن پیرمرد (بی تا). *المغنی فی رؤوس مسائل الخلاف بین الامام الناصر*، نسخه عکسی از کتابخانه واتیکان، شماره ۱۰۳۶.

مادلونگ، ویلفرد (۱۹۸۷). *أخبار أئمة الزیدية فی طبرستان و دیلمان و جیلان*، بیروت: المعهد الألماني للأبحاث الشرقية.

مامقانی، عبد الله (۱۴۲۷). *تنقیح المقال فی علم الرجال*، تحقیق: محیی الدین مامقانی، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.

محلی، حمید بن احمد (۱۴۲۳). *الحدائق الوردية فی مناقب أئمة الزیدية*، تحقیق: المرتضی بن زید المحطوری الحسني، صنعاء: مرکز البدر.

موسوی نژاد، سید علی؛ موسوی تنیانی، سید اکبر (۱۳۹۴). «بررسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره مذهب ناصر کبیر و خاندان او»، در: *تاریخ اسلام*، س ۱۶، ش ۲، ص ۵۵-۸۶.

مهدی لدین الله، احمد بن یحیی (۱۳۶۶). *البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الأمصار*، مصر: مكتبة خانجی.

ناصر لدین الله، احمد بن یحیی (۱۴۳۸). *الموجز فی فقه الإمام القاسم بن ابراهیم*، تحقیق: جمال الشامي، بی جا: بی نا.

نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۳۳). *فرق الشيعة*، بیروت: منشورات الرضا (ع).

وجیه، عبد السلام بن عباس (۱۴۲۰). *أعلام المؤلفین الزیدية*، عمان: مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية. هادی الی الحق، یحیی بن حسین (۱۴۲۱). *مجموع رسائل الإمام الهادی إلی الحق*، صعده: مرکز اهل البيت (ع) للدراسات الإسلامية.

هادی الی الحق، یحیی بن حسین (۱۴۳۴). *الأحكام فی الحلال والحرام*، جمع و ترتیب: علی بن حسن بن احمد بن أبی حریصة، تحقیق: مرتضی بن زید محطوری حسني، صنعاء: مكتبة بدر.

هارونی، یحیی بن حسین (۱۴۳۵). *الإفادة فی تاریخ ائمة السادة*، صعده: مكتبة اهل البيت (ع).

هوسمی، محمد بن یعقوب (سده ۹ ه.ق.). *الإبانه و زوائدها*، تهران: مجلس شورای اسلامی، شماره ۲۳۵ از مجموعه امام جمعه خوی.

References

The Holy Quran

- A Group of Authors. 2002. *Emamatpajuhi (Imamate Studies)*, Supervised by Mahmud Yazdi Motlagh (Fazel), Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences. [in Farsi]
- Agha Bozorg Tehrani, Mohammad Mohsen. 1983. *Al-Zariah ela Tasanif al-Shiah*, Beirut: Al-Azwa House. [in Arabic]
- Alawi Kufi, Mohammad ibn Ali. 2014. *Al-Jame al-Kafi*, Researched by Abdollah ibn Hamud Ezzi, Saada: Al-Mustafa Cultural Foundation. [in Arabic]
- Arberry, Arthur. J. 1962. *Fehres al-Makhtutat al-Arabiyah fi Maktabah Teshastarbiyati*, Translated by Mahmud Shaker Said, Oman: Royal Academy of Islamic Civilization Research (Al al-Bayt (AS) Institute). [in Arabic]
- Daneshpajuh, Mohammad Taghi. 1978. *Fehrest Noskkeh-hay Khatti Ketabkhaneh Markazi wa Markaz Asnad Daneshgah Tehran (List of manuscripts of the Central Library and Document Center of Tehran University)*, Tehran: University of Tehran, vol. 16. [in Farsi]
- Hadi ela al-Haghgh, Yahya ibn Hosayn. 2001. *Majmu Rasaal al-Imam al-Hadi ela al-Haghgh (A Collection of Letters of Imam Guiding to the Truth)*, Saada: Ah al-Bayt Center for Islamic Studies. [in Arabic]
- Hadi ela al-Haghgh, Yahya ibn Hosayn. 2013. *Al-Ahkam fi al-Halal wa al-Haram (The Rulings in Halal and Haram)*, Prepared by Ali ibn Hasan ibn Ahmad ibn Abi Harisah, Researched by Morteza ibn Zayd Mahturi Hasani, Sanaa: Badr Press. [in Arabic]
- Haeri, Abd al-Hosayn. 1967. *Fehrest Noskkeh-hay Ketabkhaneh Majles Shoray Melli (List of Manuscripts in the Library of the National Assembly)*, Tehran: Assembly Printing House.
- Haruni, Yahya ibn Hosayn. 2014. *Al-Efadah fi Tarikh Aemmah al-Sadah (Benefit of the History of Imams)*, Sada: Ahl al-Bayt Press. [in Arabic]
- Hosami, Mohammad ibn Yaghub. 9th Century A.H. *Al-Ebanah wa Zawaedoha*, Tehran: Islamic Council, no. 235 from the Collection of Khoy's Imam of Friday Prayer.

- Hoseyni Ashkuri, Seyyed Ahmad. 1993. *Moallafat al-Zaydiyyah (Zaydi Compilations)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Hoseyni Ashkuri, Seyyed Ahmad. 1994. *Fehrest Noskkeh-hay Khatti Ketabkhaneh Ayatollah Marashi (List of Manuscripts in the Library of Ayatollah Marashi)*, Qom: Ayatollah Marashi Library, vol. 23.
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hebatollah. 1966. *Sharh Nahj al-Balaghah (Explanation of Nahj al-Balaghah)*, Researched by Mohammad Abolfazl Ibrahim, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Ibn Babewayh Qomi (Sadugh), Mohammad ibn Ali. 1983. *Al-Khesal (Traits)*, Researched by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Seminary Teachers Association. [in Arabic]
- Jafariyan, Rasul; Lawasani, Seyyed Mohammad Reza. 2013. "Resaleh Ethbat Wujud Saheb al-Zaman Neweshteh Sheikh Bahayi (A Treatise on the Proof of the Existence of Saheb al-Zaman Written by Sheikh Bahayi)", in: *Mirror of Heritage*, no. 52, pp. 63-84. [in Farsi]
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghub. 1997. *Osul al-Kafi*, Tehran: House of al-Oswah. [in Arabic]
- Lahiji Deylami, Ali ibn Pirmard. n.d. *Al-Moghni fi Rous Masael al-Khelaf bayn al-Imam al-Naser*, Photographic Manuscript from the Vatican Library, no. 1036. [in Arabic]
- Madelung, Wilferd. 1987. *Akhbar Aemmah al-Zaydiyyah fi Tabarestan wa Deylaman wa Jilan (News of al-Zaydi Imams in Tabaristan, Dillman and Jilan)*, Beirut: German Institute for Oriental Research. [in Arabic]
- Mahalli, Hamid ibn Ahmad. 2003. *Al-Hadaegh al-Wardiyah fi Managheb Aemmah al-Zaydiyyah (Pink Gardens in the Virtues of the Zaydi Imams)*, Researched by Al-Mortaza ibn Zayd al-Mahturi al-Hasani, Sanaa: The Center of Badr. [in Arabic]
- Mahdi Ledinellah, Ahmad ibn Yahya. 1947. *Al-Bahr al-Zakhhkar al-Jame le Mazaheb Olama al-Amsar (The All-encompassing Sea of Waves for the Doctrines of the Scholars of Regions)*, Egypt: Khanji Press. [in Arabic]
- Mamaghani, Abdollah. 2006. *Tanghih al-Maghal fi Elm al-Rejal*, Researched by Mohyi al-Din Mamaghani, Qom: Al al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Musawinejad, Seyyed Ali; Musawi Tenyani, Seyyed Akbar. 2015. "Barresi Enteghadi Didgah-ha Darbareh Mazhab Naser Kabir wa Khandan U (A Critical Examination

of Views about the Religion of Naser Kabir and His Family)", in: *History of Islam*, yr. 16, no. 2, pp. 55-86. [in Farsi]

Naser ledinellah, Ahmad ibn Yahya. 2017. *Al-Mujaz fi Feghh al-Imam al-Ghasem ibn Ibrahim (Concise Jurisprudence of Imam al-Ghasem ibn Ibrahim)*, Researched by Jamal al-Shami, n.p: n.pub. [in Arabic]

Nobakhti, Hasan ibn Musa. 2012. *Feragh al-Shiah (Shiite Denominations)*, Beirut: Al-Reza (AS) Publications. [in Arabic]

Shahari, Ibrahim ibn Ghasem. 2001. *Tabaghat al-Zaydiyyah al-Kobra (The Great Zaydi Classes)*, Researched by Abd al-Salam ibn Abbas Wajih, Oman: Imam Zayd ibn Ali Cultural Foundation. [in Arabic]

Shahrdawir, Abolfazl. n.d. *Tafsir Ketabollah (Interpretation of the Book of God)*, Tehran: Islamic Council Library, no. 8309.

Shahrestani, Mohammad ibn Abd al-Karim. 1975. *Al-Melal wa al-Nehal (Nations & Schools)*, Researched by Mohammd Sayyed Kilani, Beirut: House of Knowledge. [in Arabic]

Sharaf al-Din, Ali ibn Abd al-Karim. 1994. "Al-Zaydiyyah, al-Taefah wa al-Mazhab (Zaydism: Sect and Doctrine)", in: *Season*, no. 18. [in Arabic]

Sobhani, Jafar. 2004. *Bohuth fi al-Melal wa al-Nehal (A Companion to Nations and Schools)*, Qom: Imam Sadegh (AS) Institute. [in Arabic]

Tanhaji, Haji Hosayn. n.d. *Ketab al-Siyar (The Book of Biographies)*, Manuscript of the Library of Kashaf al-Gheta, no. 1573. [in Arabic]

Wajih, Abd al-Salaam ibn Abbas. 2000. *Alaam al-Moallefin al-Zaydiyyah (Prominent Zaydi Authors)*, Oman: Imam Zayd ibn Ali Cultural Foundation. [in Arabic]